

باسمه تعالی

- ۱..... حدث اصغر بعد از تیمم بدل از غسل
- ۲..... اقوال در مسئله
- ۲..... قول اول: عدم انتقاض تیمم با حدث اصغر
- ۲..... قول دوم: انتقاض تیمم بدل از غسل با حدث اصغر
- ۳..... مناقشه در اجماع ادعا شده
- ۳..... مقتضای قاعده اولیه
- ۳..... بیان محقق خویی
- ۴..... مختار استاد: استصحاب
- ۵..... بررسی تعارض دو استصحاب
- ۵..... بررسی استصحاب بقای جنابت
- ۵..... بررسی ادله در مسئله
- ۶..... وجه اول قول مشهور: مبیح بودن تیمم
- ۶..... معنای مبیح بودن تیمم
- ۷..... مویدات معنای دوم مبیح بودن تیمم

موضوع: حدث اصغر بعد از تیمم بدل از غسل / احکام تیمم / تیمم

خلاصه مباحث گذشته:

بحث در این مسئله بود که اگر جنب تیمم کند و بعد از تیمم ناقضی از نواقض وضو از او سر بزند، آیا باید تیمم را تکرار کند؟ به عبارت دیگر تیمم جنب با نواقض وضو منتقض می شود؟ به صورتی که اگر به اندازه ی وضو آب داشته باشد، وضو بر او لازم نیست و تیمم بدل از غسل او مجزی از وضو است؟ یا اینکه تیمم جنب به منزله ی غسل جنب است و به وسیله ی نواقض وضو منتقض نمی شود؟

حدث اصغر بعد از تیمم بدل از غسل

(مسألة ۲۴): «لا يبطل التيمّم الذي هو بدل عن الغسل من جنابة أو غيرها بالحدث الأصغر»^۱

۱ العروة الوثقى، السيد محمد كاظم الطباطبائي اليزدي، ج ۱، ص ۵۰۷.

اگر جنب تیمم کند و بعد از تیمم ناقضی از نواقض وضو از او سر بزند، آیا باید تیمم را تکرار کند؟ به عبارت دیگر تیمم جنب با نواقض وضو منتقض می شود؟ به صورتی که اگر به اندازه ی وضو آب داشته باشد، وضو بر او لازم نیست و تیمم بدل از غسل او مجزی از وضو است؟ یا اینکه تیمم جنب به منزله ی غسل جنب است و به وسیله ی نواقض وضو منتقض نمی شود؟

اقوال در مسئله

قول اول: عدم انتقاض تیمم با حدث اصغر

مرحوم سید و عده ای از فقهاء بر این باورند که تیمم بدل از غسل با حدث اصغر منتقض نمی شود. لذا اگر آبی پیدا کرد که به اندازه ی وضو بود به حکم نواقض وضو باید وضو بگیرد. این مسئله بسیار مهم و محل ابتلاء می باشد. مرحوم صاحب جواهر فرموده است که شهرت منقول و محصل بر انتقاض تیمم و وجوب تکرار آن است. بلکه ادعای اجماع نیز بر این مسئله شده است. ایشان می نویسند: «فلا يتوضأ حينئذ لو وجد ماء له خاصةً على المشهور بين الأصحاب نقلاً و تحصيلاً شهرةً كادت تكون إجماعاً، إذ لم أجد فيه خلافاً إلا ما يحكي عن المرتضى في شرح الرسالة»^۱ علاوه بر اینکه متن شرایع نیز همین است که «ثم أحدث أعاد التيمم بدلا من الغسل سواء كان حدثه أصغر أو أكبر»^۲. در معتبر نیز استدلالاتی کرده و همین قول را تایید کرده است.

قول دوم: انتقاض تیمم بدل از غسل با حدث اصغر

در مقابل مرحوم سید مرتضی در کتاب و رساله شان تیمم را به منزله ی غسل دانسته اند^۳. برخی متاخرین نیز هم نظر با ایشان شده اند؛ از جمله سید یزدی و برخی از محشین که در این مسئله تعلیقه زده اند. شاید بتوان با توجه به عدم تعلیقه اکثر معلقین، شهرتی را بین متاخر المتاخرین ادعا کرد. محقق نایینی تعلیق زده اند. محقق حکیم نیز فرمایش سید را پذیرفته و جواب فرمایش مشهور را داده است.^۴

۱ جواهر الکلام، محمد حسن نجفی، ج ۵، ص ۲۶۰.

۲ شرائع الإسلام، جعفر بن الحسن بن یحیی (المحقق الحلی)، ج ۱، ص ۴۲.

۳ جواهر الکلام، محمد حسن نجفی، ج ۵، ص ۲۶۰.

۴ مستمسک العروة الوثقی، سید محسن حکیم، ج ۴، ص ۴۸۲.

مناقشه در اجماع ادعا شده

اینکه ادعای اجماع و شهرت در اینگونه مسائل مفید باشد مورد قبول نیست. این مسئله را قدماء مطرح کرده اند لکن همه ی آن ها مطرح نکرده اند. این یک بحث دقی و اجتهادی و حدسی است؛ قدماء نیز استدلال کرده اند و خیلی بعید است که شهرت قدماء را در این مسئله محقق بدانیم. اینگونه مسائل حدسی و دقی را نمی توان به راحتی به مشهور قدماء نسبت داد. بنابراین همانگونه که محقق حکیم فرموده اند این ادعای اجماع یک اجماع مدرکی و مبتنی بر حدس است. خود قدماء نیز دلیل آورده اند که «لأنّ التیمم مبیح» بنابراین اجماع ادعا شده به احتمال قوی مدرکی است.

مرحوم صاحب جواهر ادعای شهرت محصله کرده است که قابل اعتنا نیست. بنابراین محور بحث باید ادله ی وارده در این مسئله باشد. در جلسه ی قبل گفته شد که قبل از بیان ادله باید به قاعده رجوع کرد و مقتضای قاعده ی اولیه را باید به دست آورد.

مقتضای قاعده اولیه

مقتضای قاعده ی اولیه در این مجنبی که تیمم کرده است و بعد محدث به حدث اصغر شده است چیست؟

بیان محقق خویی

محقق خویی مقتضای قاعده را احتیاط می دانند. گاهی شما استصحاب را در شبهات حکمیه قبول دارید؛ اینجا استصحاب حکم به بقای جنابت می کند. شک داریم که با این تیمم جنابت از بین رفته است یا خیر؟ یعنی آیا شارع اعتبار کرده است ارتفاع جنابت را یا خیر؟ این یک شبهه حکمیه است که بازگشت به اعتبار شارع دارد. اگر بگوییم اعتبار نکرده است شک داریم که آیا جنابتش رفته است یا خیر؟ طبق استصحاب حکم به بقای جنابت می شود. لذا باید برای نماز تیمم بدل از غسل جنابت را به جا آورد.

ما شک داریم که جنابت رفته است یا خیر؟ محقق خویی فرموده است شبهه حکمیه است و فراموش نشود که ایشان استصحاب را در شبهات حکمیه قبول ندارد. ولی اگر کسی قبول داشته باشد می تواند استصحاب جنابت را جاری کند. ایشان می گوید ما استصحاب را در شبهات حکمیه قبول نداریم؛ زیرا استصحاب بقاء جنابت بعد از تیمم را معارض می دانیم با استصحاب عدم جعل جنابت بعد از تیمم، لذا نمی توان به هیچ کدام تمسک کرد.

در ادامه فرموده است بنابراین بعد از عدم قبول استصحاب نوبت به برائت می رسد؛ این اصل نیز مورد مناقشه است؛ زیرا با وجود علم اجمالی نوبت به برائت نمی رسد. علم اجمالی داریم که یا بر این شخص وضو واجب است و یا تیمم واجب است. از این رو جایی برای برائت باقی نخواهد ماند و در نتیجه مکلف باید احتیاط کند؛ یعنی هم تیمم بدل از غسل جنابت را به جا آورد و هم وضو را به جا آورد. اگر هم آب به اندازه ی وضو نداشته باشد باید یک تیمم نیز بدل از وضو بگیرد چرا که تیمم بدل از وضو و تیمم بدل از غسل دو حقیقت هستند.^۱

مختار استاد: استصحاب

در جواهر اصل عملی را به عکس ایشان مطرح کرده است. صاحب جواهر در تایید نظر سید مرتضی که می گوید تیمم باقی است و تکرار آن لازم نیست، دلیل آن را مقتضای استصحاب می داند. استصحاب عدم انتقاض تیمم؛ این شخصی که تیمم کرده است تا وقتی نخواییده، تیممش باقی است و می تواند با این تیمم نماز بخواند، بعد که خوابید و حدث اصغر محقق شد شک می کنیم که تیمم بدل از غسل او مرتفع شده است یا خیر؟ استصحاب می گوید تیمم بدل از غسل باقی است و منتقض نشده است؛ لذا تکرار لازم ندارد.^۲

این استصحاب عکس فرمایش محقق خویی است. در ذهن ما این است که فرمایش صاحب جواهر درست است. استصحاب عدم انتقاض تیمم قبل از این ناقض طهارت اصغر می کنیم. بنابراین بقای تیمم استصحاب می شود؛ اثر آن نیز عدم وجوب تکرار تیمم است. اما اینکه آقای خویی استصحاب جنابت را مطرح کرده اند درست است و ارکان استصحاب تمام است؛ لکن این را باید ثابت کند که هرکس جنب باشد ولو اینکه قبلا هم تیمم کرده باشد باید تکرار کند؛ این اول الکلام است. بنابراین فرمایش صاحب جواهر در نظر ما صحیح تر است.

استصحاب جنابت درست است لکن چه کسی گفته است که هر وقت جنابت باقی بود تیمم باید تکرار شود؟ این اول الکلام است. آنچه مهم است حدوث جنابت است، هیچ دلیلی نداریم که در بقای جنابت هم باید تیمم کند. آنچه دلیل داریم این است که در صورت حدوث جنابت باید تیمم کند. کلام محقق خویی یک اشکالی دارد و آن این است که صرفا ادعایی است بلا دلیل؛ بنابراین کلام صاحب جواهر درست است.

۱ موسوعة الامام الخوئی، السید أبو القاسم الخوئی، ج ۷، ص ۴۲۵.

۲ جواهر الکلام، محمد حسن نجفی، ج ۵، ص ۲۶۰.

بررسی تعارض دو استصحاب

لکن خود صاحب جواهر در ادامه می فرمایند: استصحاب عدم انتقاض تیمم دارای معارض است که محقق حکیم نیز نقل کرده است. معارض آن، استصحاب عدم مشروعیت وضو است. زمانی که شخص تیمم کرد، وقتی هنوز حدث اصغر رخ نداده بود، وضو در حقیقت مشروع نبود. تیمم جنب وضو را از مشروعیت می اندازد. حال که خوابید شک دارد که بعد از بیدار شدن وضو مشروع است یا خیر، استصحاب عدم مشروعیت وضو در حق او جاری می شود. بنابراین یک اصل می گوید وضو در حق مکلف مشروع نیست و یک اصل می گوید که تیمم منتقض نشده است. این گفتنی نیست؛ همین مطلب منشا تعارض خواهد بود؛ چرا که نمی توان به هر دو اصل عمل نمود. صاحب جواهر استصحاب بقای تیمم را معارض قرار داده است با استصحاب عدم مشروعیت وضو؛ لکن به نظر ما این اشکال قابل جواب است؛ ما می گوییم وضو مشروع است و نیازی به استصحاب نیست؛ به دلیل ادله ی نواقض که می گفت هر کسی که ناقض از او صادر شد باید وضو بگیرد. موارد تخصیص خورده از این ادله منحصر است به جنبی که غسل کرده است، همچنین متیممی که نخوابیده است. ولی متیممی که خوابیده است باید وضو بگیرد؛ زیرا برای تخصیص خوردن آن از ادله ی نواقض دلیل نداریم. اطلاق این روایات حکم به وضو می کند. نیازی به استصحاب ندارد تا معارض باشد. بنابراین جواب محقق حکیم از معارضه تمام است.

بررسی استصحاب بقای جنابت

فقط یک نکته را باید حل کرد که آیا مجالی برای استصحاب جنابت است یا خیر؟ اگر استصحاب جنابت دارای مجال باشد، آیا می تواند با استصحاب صاحب جواهر معارضه کند و آن را ملغی کند یا خیر؟ در آینده بعد از بحث از ادله خواهد آمد که استصحاب جنابت اثری ندارد.

بنابراین تا کنون مقتضای قاعده این است که اگر استصحاب را در شبهات حکمیه قبول داشته باشیم کلام صاحب جواهر درست است و اگر قبول نداشته باشیم، همانطور که محقق خویی و محقق همدانی فرموده اند باید به دلیل وجود علم اجمالی احتیاط کرد.

بررسی ادله در مسئله

ادله ای را برخی قدما و متاخرین بیان کرده اند که مهم ترین آن ها فرمایشات محقق خویی است. ابتداءً ادله ی مشهور را بیان می کنیم که تیمم را منتقض می دانند و خلاف استصحاب عمل می کنند:

وجه اول قول مشهور: مبیح بودن تیمم

در کلمات قدماء آمده است که تیمم مبیح است و رافع نیست. با تیمم فقط شما مجاز هستید که وارد نماز شوید و مس قرآن کنید. شأن تیمم فقط رفع مانعیت مانع است و خود مانع را که جنابت است رفع نمی کند. لازمه ی مبیح بودن این است که هنگامی که حدث اصغر صادر شد، اباحه مرتفع شده باشد. بنابراین اگر دوباره بخواند وارد نماز شود باید تیممی جدید انجام دهد.

البته این ها خودش مجمل است و باید بحث شود.

بنابراین طبق این دلیل دوباره باید تحصیل طهارت کرد و تیممی جدید به جا آورد.

عمده وجهی که در کلمات گذشتگان مطرح بوده است همین است

معنای مبیح بودن تیمم

یک بحثی است که اینکه تیمم را اجماعاً مبیح دانسته اند به چه معناست؟ مبیح بودن تیمم به چه معناست؟

۱. یک معنای آن این است که تیمم طهارت نمی آورد. اجازه می دهد که شخص بدون طهارت وارد نماز شود. خودش طهارت نیست و فقط اجازه ی ورود به عبادت را می دهد. همانگونه که در تنقیح فرموده است و محقق همدانی نیز اشاره کرده است این معنا بعید است. خیلی بعید است که علمای سابق تیمم را طهارت ندانسته باشند. اصلاً این بیان خلاف آیه ی قرآن است؛ چرا که قرآن می فرماید دلیل جعل تیمم طهارت است؛ ﴿فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوْهِكُمْ وَ أَيْدِيكُمْ مِنْهُ مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَ لَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ﴾^۱. روایات نیز تیمم را طهارت دانسته اند؛ «فَإِنَّ التَّيْمَمَ أَحَدُ الطُّهُورَيْنِ»^۲. «جعل له الارض مسجداً و طهوراً»^۳. بنابراین علمای سابق بعید است چنین معنایی را از مبیح بودن اراده کرده باشند.

با اینکه علما طهارت بودن تیمم را قبول کرده اند؛ معنای مبیح بودن تیمم چیست؟ معنای دوم را ذکر می کنیم:

۲. معنای آن این است که رافع نیست. مشهور که گفته اند تیمم مبیح نماز است فقط می خواهند بگویند که مانند غسل رافع جنابت نیست. با اینکه طهور است ولی فرقی با غسل این است که رافع جنابت نیست. همیطور هم هست. در برخی کلمات

۱ سوره مائده، آیه ۶.

۲ الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج ۳، ص ۶۴.

۳ الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج ۲، ص ۱۷.

فقهاء گذشته چنین بیان شده است که تیمم مبیح است؛ زیرا اگر قرار باشد جنابت را رفع کند پس اگر آب هم پیدا شد غسل نباید واجب باشد در حالی که واجب است. بنابراین معلوم می شود که رافع طهارت نیست. بنابراین مشهور در عین اینکه طهور بودن تیمم را قبول دارند آن را مبیح می دانند بدین معنا که رافع جنابت نیست.

اگر قرار باشد رافع باشد و در عین حال، هنگام یافتن آب حکم به وجوب غسل کنیم، لازمه اش این است که موجبات غسل را سه چیز بدانیم: جماع، منی، وجدان آب برای متیمم؛ در حالی که این صحیح نیست.

بنابراین به هیچ وجه گفتنی نیست که معنای مبیح بودن تیمم را مساوی با عدم طهارت بودن آن بدانیم.

این کلامی است که محقق خویی نیز تایید کرده است.

مویدات معنای دوم مبیح بودن تیمم

محقق خویی مویداتی برای این مطلب ذکر کرده است:

۱. آیه ی قرآن ﴿وَلَا جُنُبًا إِلَّا عَابِرِي سَبِيلٍ حَتَّى تَغْتَسِلُوا﴾^۱ جنب نباید عبور کند الا اینکه غسل کند. از این آیه استفاده می شود که شارع فقط غسل را رافع جنابت قرار داده است.
۲. روایاتی که آن روایات همین قضیه را اثبات می کنند. اساس کلام محقق خویی همین مطلب است که با نظر به این روایات می فهمیم که متیمم جنب است. روایاتی که در باب نماز جماعت وارده شده است می گوید که امام جماعت تیمم کرده است در حالی که جنب است و خود جنب نیز امام شده است.

در عین اینکه متیمم متطهر است و طهارت را که شرط ورود به نماز است را حاصل کرده است، جنب نیز می باشد.

- «سَأَلَ مُحَمَّدُ بْنُ حُمْرَانَ النَّهْدِيُّ - وَ جَمِيلُ بْنُ دَرَّاجٍ - أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع - عَنْ إِمَامٍ قَوْمٍ أَصَابَتْهُ جَنَابَةٌ فِي السَّفَرِ وَ لَيْسَ مَعَهُ مِنَ الْمَاءِ مَا يَكْفِيهِ لِلْغُسْلِ أَوْ يَتَوَضَّأُ بَعْضُهُمْ وَ يُصَلِّي بِهِمْ فَقَالَ لَا وَ لَكِنْ يَتِيمَمُ الْجُنُبُ وَ يُصَلِّي بِهِمْ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ جَعَلَ التُّرَابَ طَهُورًا كَمَا جَعَلَ الْمَاءَ طَهُورًا»^۲.

ظاهر این روایات جنابت بالفعل است.

- «عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بُكَيْرٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع - عَنْ رَجُلٍ أَجْنَبَ ثُمَّ تَيَمَّمَ فَأَمَّنَا وَ نَحْنُ طَهُورٌ فَقَالَ لَا بَأْسَ بِهِ»^۳.

۱ سوره نساء، آیه ۴۳.

۲ من لا يحضره الفقيه، شيخ صدوق، ج ۱، ص ۱۰۹.

۳ تهذيب الاحكام، شيخ طوسي، ج ۳، ص ۱۶۷.

- « عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بُكَيْرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: قُلْتُ لَهُ رَجُلٌ أَمَّ قَوْمًا وَهُوَ جُنُبٌ وَقَدْ تَيَمَّمَ وَهُمْ عَلَى طَهْوَرٍ فَقَالَ لَا بَأْسَ^۱! »

روایات کثیری در باب نماز جماعت وارد شده است که امام جنب را بعد از تیمم، مجاز به خواندن نماز جماعت می داند.
والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته.

۱ استبصار، شیخ طوسی، ج ۱، ص ۴۲۵.